مجموعه زندگانی چهارده معصوم (علیهم السلام) ۸

امام جعفر صادق (علیه السلام)



ویژه نوجوانان

بسم الله الرحمن الرحیم

امام صادق علیه السلام

نویسنده:

واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

امام صادق علیه السلام

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : امام جعفر صادق علیه السلام مجموعه زندگی چهارده معصوم علیه السلام/تالیف واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۸ مشخصات ظاهری : [۲۴]ص فروست : مجموعه زندگانی چهارده معصوم علیه السلام ویژه نوجوانان؛ ۸ وضعیت فهرست نویسی : در انتظار فهرستنویسی (اطلاعات ثبت) شماره کتابشناسی ملی : ۱۹۲۶۶۶۲

امام صادق علیه السلام

نام: جعفر

لقب: صادق کنیه: ابوعبداللَّه نام پدر: محمّد

نام مادر:اُم فروه تاریخ تولد: ۱۷ ربیع الاول سال ۸۳ (ه.ق)

محل تولد: مدینه مدّت امامت: ۳۴ سال مدّت عمر: ۶۵ سال تاریخ شهادت: ۲۵ شوال سال ۱۴۸ (ه.ق)

نام قاتل: منصور با زهر

مرقد مطهر: بقیع

پدر بزرگوار و مادر ارجمند امام صادق علیه السلام

پدر بزرگوار امام صادق علیه السلام حضرت باقر علیه السلام است و مادر بزرگوار امام صادق علیه السلام، بانویی بزرگوار به نام فاطمه می باشد که به اُمّ فروه شهرت داشت. اُمّ فروه دختر قاسم بن محمّد بن ابی بکر است. قاسم با امام سجادعلیه السلام پسر خاله بودند و از فقهای برجسته شیعه و از اصحاب مورد اطمینان امام سجادعلیه السلام به شمار می آمد. امام صادق علیه السلام او را از اصحاب مورد اعتماد امام سجاد علیه السلام یاد نموده است. تاریخ نوسیان اهل سنت او را به عنوان یکی از سادات و دوست داران امام و یکی از فقهیان مشهور عصر امام سجادعلیه السلام دانسته اند که در حدود سال ۱۱۲ هجری، در مدینه و در سن ۷۲سالگی درگذشته است(۱)

اُمّ فروه، از همه بانوان عصرش با تقواتر بوده است، او علاوه بر تقوا، به قدری دارای مقام ارجمند بود که پسرش امام صادق علیه السلام را با عنوان ابن المکرّمه یعنی پسر مادر ارجمند یاد می کردند.(۲)

صادق آل محمّد صلی الله علیه وآله

در میان امامان معصوم علیهم السلام، برای هیچ کدام، همانند امام صادق علیه السلام فرصت و شرایط خوبی پیش نیامد تا

بتوانند در سطح وسیع و گسترده، به کارهای دینی و فرهنگی در جامعه بپردازند، امام صادق علیه السلام از این فرصت پیش آمده استفاده نمودند و با بیان دستورات ناب و پر محتوای اسلام و با تأسیس دانشگاه و مدرسه های دینی، بر گسترش اسلام افزوده و ناآگاهان را از سراسر دنیا متوجه اسلام حقیقی نمودند.

چنین فرصتی برای امام صادق علیه السلام به خاطر درگیری و رو در رویی دو گروه ظالم به نام های بنی امیه و بنی عباس بود و این برخوردها باعث شده بود که

آن ها تمام وقت خود را مشغول به کشمکش با یکدیگر بشوند. آن بزرگ مرد علم و ایمان، از این فرصت، استفاده کامل را نمود و توانست اصول و احکام اسلامی را که مورد قبول امامان قبل از خود که جانشینان حقیقی رسول خدا صلی الله علیه وآله بود را معرفی نموده و با تربیت شاگردانی بسیار و برجسته، حیاتی تازه به اسلام و مسلمین ببخشند.

این امام بزرگوار، واقعه بزرگ و مهم غدیر خم که موضوع ولایت و جانشینی امام علی علیه السلام به عنوان اولین امام برحق بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله می باشد را زنده نمود و معنا و مفهوم خطبه - سخنان گهربار - حضرت زهراعلیها السلام را برای همه روشن ساخت و به عنوان صادق آل محمّد صلی الله علیه وآله در برابر دروغ سازان و نیرنگ بازان اموی و عباسی، چهره واقعی اسلام و احکام آل محمّد صلی الله علیه وآله را نمایان ساخت.

عظمت علمی امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در مدینه می زیست، هنگامی که خلافت به دست بنی عباس افتاد. عبداللّه سّفاح (نخستین خلیفه عباسی) آن حضرت را از مدینه به عراق احضار کرد، ولی پس از دیدن معجزات، کرامات و اخلاق نیکوی آن حضرت، ایشان را آزاد نمود. امام علیه السلام به مدینه برگشت، هنگامی که منصور دوانیقی (دومین خلیفه ظالم عباسی) به خلافت رسید، آن حضرت را در سال ۱۴۵(ه. ق) همراه با اهانت و جسارت به عراق و کوفه طلبید، و مدتی آن حضرت را در عراق تحت نظر نگه داشت، و در این مدّت، امام صادق علیه السلام را پنج بار احضار نمود و حتّی تصمیم بر قتلش گرفت. ولی بخاطر

معجزات و مسائل دیگر از قتل آن حضرت صرف نظر کرد و پس از مدّتی امام علیه السلام به مدینه بازگشت.

در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام دلیل های زیادی وجود دارد و این موضوع مورد قبول دانشمندان شیعه و سنّی است. فقیهان و دانشمندان بزرگ دنیا در برابر علم آن حضرت سر تعظیم فرود می آوردند و برتری علمی او را می ستودند و حرفی برای گفتن نداشتند. ابوحنیفه پیشوای فرقه حنفی، می گفت: من دانشمندتر از جعفر بن محمّد ندیده ام.

همچنین می گفت: زمانی که منصور دوانیقی، جعفر بن محمّدعلیه السلام را احضار نموده بود، مرا خواست و گفت: مردم شیفته جعفربن محمّد شده اند، برای محکوم ساختن او یک سری مسائل و معماهای مشکل را آماده کن. من چهل مسأله مشکل آماده کردم، روزی منصور که در (مکانی به نام) حیره بود، مرا احضار کرد. وقتی وارد مجلس وی شدم، دیدم جعفربن محمّدعلیه السلام در آنجا حضور دارند. وقتی چشمم به او افتاد، آن چنان تحت تأثیر شکوه و عظمت او قرار گرفتم که چنین حالی از دیدن هیچ شخص دیگری به من دست نداده بود.

سلام کردم و با اشاره منصور نشستم. منصور رو به وی کرد و گفت: این ابوحنیه است. او پاسخ داد: آری او را می شناسم، سپس منصور رو به من کرد و گفت: ای ابوحنیفه مسائل خود را با ابو عبداللّه (جعفربن محمّد) در میان بگذار، در این هنگام شروع به گفتن سوالات مشکلی که از قبل آماده نموده بودم کردم، هر مسئله ای که می پرسیدم، او پاسخ می داد و می گفت: عقیده شما در این باره این طور است و عقیده اهل مدینه آن طور و

عقیده ما چنین است. در برخی از سوالات با نظر ما موافق، و در برخی دیگر با اهل مدینه موافق و گاهی، با هر دو مخالف بود. بدین ترتیب چهل مسأله را مطرح کردم و همه را به درستی پاسخ گفت.

ابوحنیفه به اینجا که رسید با اشاره به امام صادق علیه السلام گفت: او دانشمندترین و آگاه ترین به اختلافات مردم در فتاوا و مسایل فقهی (احکام و دستورات دینی و شرعی) است.(۳)

مجلس درس در مسجد خیف

شیفتگان علم، چه سنی و شیعه به قدری شیفته و دوست دار بهره بردن از علم و اخلاق نیکوی امام صادق علیه السلام بودند که حتّی در حال سفر هم می خواستند که آن حضرت جلسه درسی داشته باشد و از محضرش بهره مند گردند، به عنوان نمونه: در یکی از سفرها که امام صادق علیه السلام عازم انجام مراسم حج بود وقتی که به سرزمین منی رسید، آن حضرت در مسجدی به نام خیف جلسه درسی تشکیل دادند، که در این جلسه حدود دویست نفر شرکت نمودند، از میان شاگردان بسیار زیاد و دانشمند و مسلمان امام صادق علیه السلام می توان به این نام ها اشاره نمود: «حمران بن اعین شیبانی، عبدالله بن ابی یعفور، مفضّل بن عمر جعفی و جابر بن حیان »

در یکی از روزها عبداللّه بن شُبرمَه از دانشمندان اهل سنت که از جانب منصور دوانیقی قاضی کوفه شده بود، در جلسه درس مسجد خیف حاضر شد و در میان شاگردان صدا زد: ای ابا عبداللّه! ما در عراق بر اساس قرآن و سنت قضاوت می کنیم و هر گاه در موردی، چیزی از قرآن و سنت پیدا نکنیم، بر اساس رأی و مقایسه کردن خودمان حکم

و دستور صادر می کنیم، آیا کار ما درست است؟ امام علیه السلام که با شاگردانش مشغول بحث و سؤال و جواب بود به او اعتنایی نکرد. ابن شُبْرُمَه سؤال خود را تا سه بار تکرار نمود. شاگردان همه سکوت کرده بودند، امام علیه السلام رو به او نمود و فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام چگونه انسانی بود؟ شُبْرُمَه حضرت علی علیه السلام را بسیار ستود.

امام علیه السلام فرمود: حضرت علی علیه السلام از کسی که نظر خودش را در دین خدا داخل نماید، و بر اساس نظر خود... دستوری را صادر کند، امتناع (و دوری) می نمود.(۴)

اوضاع علمی و فرهنگی دوران امام صادق علیه السلام

بعد از مدّتی که بین دو قوم ظالم بنی امیه و بنی عباس درگیری برای رسیدن به قدرت بوجود آمده بود، سرانجام از زمان هشام بن عبدالملك، مبارزات عباسیان سرعت و قدرت بیشتری گرفت، و در سال ۱۲۹/ ه وارد مرحله مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی گردید و سرانجام عباسیان در سال ۱۳۲/ ه بر امویان پیروز شدند.

از آنجا که بنی امیه در این مدّت ، گرفتار مشکلات فراوان شده بود، لذا فرصت اذیت و آزار و ایجاد مزاحمت نسبت به امام و شیعیان را مثل زمان امام سجادعلیه السلام نداشتند.

عباسیان نیز چون قبل از رسیدن به قدرت در ظاهر، خود را طرفداران خاندان پیامبرصلی الله علیه وآله و انتقام گیرنده خون آنها معرفی می کردند، در نتیجه اذیت و آزاری از طرف آنها هم تا مدّتی مطرح نبود. از این رو آن دوران، دوران آرامش و آزادی برای امام صادق علیه السلام و شیعیان به شمار می رفت و فرصت بسیار خوبی برای فعالیت های علمی و فرهنگی آنان بود.

در حقیقت دلایلی که موجب آغاز فعالیت های علمی

و دینی شده بود را به این شکل و ترتیب خلاصه نمود:

۱- آزادی فکر و تحقیق در اسلام، البته عباسیان نیز در این آزادی فکری بی تأثیر نبودند، امّا ریشه این آزادی در تعلیمات اسلام بود، به طوری که اگر عباسیان هم می خواستند از آن جلوگیری کنند، نمی توانستند.

۲- محیط آن روز، محیطی کاملاً مذهبی بود و مردم تحت تأثیر برنامه های مذهبی بودند. تشویق های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به کسب علم، و دعوت های قرآن به کسب علم و دانش و فکر نمودن، دلایل مهم نهضت و شور و شوق مذهبی دوران امام صادق علیه السلام بود.

۳- اقوام و مردمی که اسلام را پذیرفته بودند، بیشتر آنها دارای سابقه فعّالیت های فکری و علمی بودند، مثل ایرانی ها (که از همه سابقه ای درخشان تر داشتند) و مصری ها و سوری ها که از مردمان باتمدّن آن روز بودند. این افراد به منظور درک و فهم بیشتر به تحقیق و جست و جو در تعلیمات ناب اسلام می پرداختند.

۴- مسلمانان زندگی و در کنار هم بودن با غیر مسلمانان را بر خلاف اصول دینی خود نمی دانستند. چون غیر مسلمانان (اهل کتاب) در آن زمان مردمی دانا و فهمیده بودند و مسلمانان با آنها بحث و جلسات علمی برگزار می نمودند و آنها شیفته و علاقه مند به دستورات اسلام بودند.

به یاد خدا بودن

تابستان بود، وقت شام خوردن فرا رسید، سفره ای در کنار امام صادق علیه السلام پهن کردند، مقداری نان هم میان سفره بود، سپس کاسه ای که در آن آبگوشت بود، آوردند و نزد آن حضرت قرار دادند، آبگوشت داغ بود وقتی که امام علیه السلام لقمه ای نان برداشت و در آبگوشت گذارد آن را داغ یافت.

دستش را کشید و چند بار

مکرّر فرمود:«پناهنده می شویم به خدا از آتش دوزخ، پناه می بریم به خدا از آتش دوزخ» و این سخن را آن قدر تکرار کرد تا آب گوشت، سرد شد، فرمود:«ما قدرت بر تحمّل داغی این آب گوشت را نداریم پس چگونه بتوانیم آتش دوزخ را تحمّل کنیم؟» حضرت با این عمل خود افراد را از معصیت خدا برحذر داشتند.

روزی هنگام راه رفتن، بند کفش امام صادق علیه السلام پاره شد و کفش از پایش درآمد، با پای برهنه راه می رفت در حالی که با تواضع و خلوص مخصوصی به درگاه خدا توجّه داشت، عرض نمود:«پروردگارا مرا به اندازه یک چشم بر هم زدن و نه کمتر و نه زیادتر به خویش وامگذار». و حال آن حضرت در این هنگام آنچنان روحانی شده بود که قطرات اشک از چشم های مبارک آن حضرت می ریخت.

نهی از منکر عملی امام صادق علیه السلام

منصور برای پسرش جشنی برپا کرده بود. امام صادق علیه السلام نیز به اجبار در آن جشن شرکت نموده بود، سفره غذا پهن گردید و غذاها در میان آن چیده شد. در این میان یکی از حاضران آب خواست اما به جای آب برای او شراب آوردند. امام علیه السلام بی درنگ برخاست و به عنوان اعتراض، مجلس را ترک نمود و گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که در کنار سفره ای که در آن شراب نوشیده شود، بنشیند ملعون (و نفرین شده)است.(۵) به این ترتیب آن حضرت با قاطعیت، نهی از منکر عملی (و اعتراض به کار ناپسند آنها)نمود و با کمال بی اعتنایی به سفره منصور، خشم و نارضایتی خود را به آن سفره و حاضران نشسته در آن نشان داد.(۶)

برخورد قاطع امام علیه السلام با طاغوت زمان (منصور دوانیقی)

حاکم ستمگر عباسی، منصور دوانیقی در ضمن نامه ای به امام صادق علیه السلام نوشت: چرا مانند مردم به مجلس ما نمی آیی و در اطراف ما حاضر نمی شوی؟

امام علیه السلام در پاسخ او نوشت:

در نزد ما (از دنیا) چیزی نیست که بخاطر آن از تو بترسم، و در نزد تو از نظر معنوی و اخروی (یعنی ایمان و اعتقاد قلبی به خداوند و روز قیامت) چیزی وجود ندارد که به خاطر آن به تو امیدوار باشیم، در نزد تو نه نعمتی وجود دارد که بیاییم و به خاطر آن به تو تبریک بگوییم، و نه تو خود را در بلاـ و مصیبت می بینی که بیاییم و به خاطر آن، به تو تسلیت بگوییم. پس برای چه نزد تو بیاییم؟

منصور دوانیقی پس از دریافت این پاسخ عمیق و کوبنده جواب داد: نزد ما بیا و ما

را نصیحت کن. امام صادق علیه السلام جواب داد: کسی که خواهان دنیا باشد تو را نصحیت نمی کند (زیرا دنیایش به خطر می افتد و تو آن را نخواهی پذیرفت) و اگر خواهان آخرت باشد، نزد تو نمی آید.

منصور با دریافت این پاسخ گفت: سوگند به خدا او (امام صادق علیه السلام) با این جواب، دنیا خواهان را از آخرت خواهان مشخص کرد، و او که در اطراف من نمی آید، آخرت خواه است نه دنیا خواه.(۷)

عصر سلطنت منصور دوانیقی؛ یکی از یاران امام صادق علیه السلام نزد آن حضرت آمد و عرض نمود: بعضی از ما شیعیان گاهی در تنگنای سخت اقتصادی (مشکلات زندگی) قرار می گیرد، و به ما پیشنهاد می شود که برای این ها (طاغوتیان بنی عباس) خانه بسازیم یا نهری از آنان را لای روبی (و نظافت) کنیم و یا سّدی برای آن ها بسازیم، نظر شما در این باره چیست؟

امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود:

من دوست ندارم برای آن ها (بنی عباس) گره ای بزنم، یا درِ مَشکی را ببندم، (یعنی کمترین کاری انجام دهم) هر چند در برابر این کار ثروت زیادی به دستم برسد، حتی دوست ندارم، قلمی برای آن ها بر صفحه ای بکشم، همانا کسانی که به ستمگران کمک کنند در روز قیامت، در سرا پرده ای از آتش قرار داده می شوند (و به عذاب دردناک خداوند گرفتار می گردند).(۸)

روزی منصور دوانیقی در محضر امام صادق علیه السلام بود. مگسی آمد و روی بدن منصور نشست و او را گزید، منصور آن را رد کرد، همان مگس بار دیگر آمد و منصور را گزید، منصور آن را رد کرد، باز آن مگس بازگشت و او را گزید. منصور که عصبانی شده بود به

امام صادق علیه السلام گفت: خداوند چرا مگس را آفریده است؟

امام صادق علیه السلام بی درنگ فرمود: برای این که افراد جبّار و متکّبر را خوار کند.(۹) به این ترتیب امام صادق علیه السلام منصور را جبّار و متکبّر خواند.

چگونگی شهادت ششمین پیشوای شیعیان جهان

مردم خیلی به امام صادق علیه السلام علاقه مند شده بودند و روز به روز هم بر طرفداران و شیفتگان امام علیه السلام در بین مردم افزوده می شد. دشمنان او و در رأس همه آنها حاکم ستمگر عباسی یعنی منصور دوانیقی نتوانست وجود آن امام بزرگوار را تحمّل کند و سرانجام توسط مأموران و مزدوران منافق خود، آن حضرت را با انگور زهر آلود مسموم نمود.

امام علیه السلام در بستر شهادت قرار گرفت و عدّه زیادی از شیعیان به محضرش آمدند. یکی از شاگرادان امام صادق علیه السلام به عنوان عیادت به بالین آن حضرت آمد، چون امام خیلی لاغر و ضعیف شده بود، ناخودآگاه شروع به گریه کردن نمود، امام علیه السلام به او فرمود: «چرا گریه می کنی؟» او عرض کرد: اکنون که شما را در این حال می نگرم گریه نکنم، امام صادق علیه السلام فرمود: «گریه نکن، همانا همه نیکی ها به مؤمن عرضه می شود، چرا که اگر همه اعضای او قطعه قطعه شود خیر است برای او» همچنین آن حضرت فرمود: «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی رسد.» سرانجام، حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ماه شوّال سال صد و چهل و هشت هجری و در سن شصت و پنج سالگی در مدینه به شهادت رسید و در قبرستان بقیع به خاک سپرده شد.

پی نوشت ها

۱) اصول کافی ج ۱

۲) ریاحین الشریعه ج ۳ ص ۱۷ (به نقل از مسعودی تاریخ نویس مشهور)

۳) سیره پیشوایان ص ۳۵۰

۴) سیره ۱۴ معصوم ص ۵۷۵ – انوار البهّیه محدث قمی ص ۲۶۴

۵) فروع کافی ج ۶ ص ۲۶۷

۶) سیره ۱۴ معصوم ص ۵۶۲

۷) کشف الغمه ج ۲

۸) وسائل ج ۱۲ ص

٩) علل الشرائع ص ٤٦٢.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹